

افغانستان شناسی حکومت سدوزایی (پادشاهی احمدشاه):

سدوزایی ها که متعلق به قبایل پشتون بودند اولین دولت خود را با تاج گذاری احمد شاه درانی در 1747 میلادی، بعد از گشته شدن نادر شاه افشار، در شهر قندهار تاسیس کردند. این دولت بعداً به نام "افغانستان" در ادبیات فارسی وارد شد و سرزمین کهن و تاریخی که بخش مهمی از حوزه تمدنی زبان فارسی بود با این نام معرفی شد.

ادامه دهنده سلسله سدوزایی:

1. تیمورشاه درانی، بعد از احمد شاه (جون 1773م) به اریکه قدرت نشست و پایتخت را از قندهار به کابل انتقال داد. پس از مرگ تیمورشاه (1793م) حکومت افغان دچار تزلزل و درگیری خانوادگی شد.
2. شاه زمان (1793-1801)
3. شاه محمود (1801-1804)
4. شاه شجاع (1804-1809)
5. شاه محمود (بار دوم 1809م) با سقوط شاه محمود در سال 1818 م طومار خانواده تیمور و سلسله سدوزایی بسته شد.

حکومت محمد زایی ها:

- سلسله "بارکزیایی" یا "محمدزایی" پس از سلسله سدوزایی بر اریکه قدرت نشست.
1. حکومت دوست محمد خان: دوست محمد خان امارت کابل را در سال 1839 م به دست گرفت.
 2. حکومت شیرعلی خان: شیرعلی خان در سال 1868 م حکومت را قبضه کرد.
 3. حکومت عبدالرحمان خان: (1880-1901)
 4. حکومت حبیب الله خان: (1901-1919)
 5. امان الله خان (اعلان استقلال افغانستان): امان الله خان با مشی روشنفکری و حمایت از نوگرایی در افغانستان بر اریکه قدرت نشست. وی استقلال سیاسی افغانستان را اعلام و تثبیت کرد و نوآوری هایی ایجاد نمود و پارلمان را تشکیل داد.
 6. حکومت حبیب الله (خادم دین رسول الله): حبیب الله مشهور به بچه سقا در 28 جدی 1308 هـ ش به پادشاهی رسید و مدت 9 ماه حکومت او ادامه یافت.
 7. محمد نادرخان: پادشاهی محمد نادرخان در تاریخ 15 اکتبر 1929 (1308/7/23 هـ ش) شروع گردید و تا 1312 هـ ش تداوم یافت.
 8. محمدظاهر خان: وی در 19 سالگی و به جای پدر سلطنت را به دست گرفت و تا 1352 هـ ش یعنی به مدت 40 سال پادشاهی کرد.

جمهوریت افغانستان:

در سال 1352 هـ ش پادشاهی در افغانستان پرونده اش بسته شد و توسط محمد داودخان حکومت جمهوری برقرار گردید. این جمهوریت در 7 ثور 1357 توسط کمونست ها سرنگون گردید و داودخان با اعضای خانواده اش به قتل رسید.

دولت کمونست ها:

- پس از کودتای ثور 1357 هـ ش افغانستان دستخوش کودتاها و جنگ شد که به قرار ذیل است:
1. کودتای نورمحمدترکی در هفتم ثور 1357 هـ ش علیه جمهوریت محمد داودخان و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان.
 2. در تاریخ 25 سنبله 1358 حفیظ الله امین ترکی را به قتل رسانیده و خود به قدرت رسید.
 3. در تاریخ 6 جدی 1358 هـ ش همزمان با تجاوز شوروی سابق به افغانستان، ببرک کارمل قدرت را به دست گرفت.
 4. به تاریخ 14 جوزای 1361 داکتر نجیب الله مقام رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را احراز کرد و به تاریخ 27 حمل 1371 از قدرت کناره گرفت.

دولت اسلامی افغانستان:

پس از سقوط رژیم کمونستی به دست مجاهدان افغانستان، دولت اسلامی افغانستان به تاریخ 1371/2/8 قدرت را در دست گرفت. نخستین رییس دولت اسلامی افغانستان صبغت الله مجددی بود که پس از دو ماه قدرت را به برهان الدین ربانی تحویل داد. آقای ربانی با وجودی که کابل در سال 1375 به تصرف طالبان در آمد از سوی مجامع بین المللی تا زمان تشکیل اداره موقت افغانستان به عنوان رییس دولت رسمی افغانستان شناخته می شد.

امارت اسلامی طالبان:

گروه طالبان در نوامبر 1994 میلادی ظهور کرد و در پنجم نوامبر همین ماه قندهار را متصرف شد. این گروه در سال 1996 میلادی کابل را اشغال کرد و در 27 سپتامبر 1996 داکتر نجیب الله را اعدام نمود، و در تاریخ 15 اکتبر 1999 میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم های بیشتری را علیه طالبان وضع کرد. این گروه در اثر ادامه مقاومت مردم افغانستان و با حمایت بین المللی در ماه های آخر 1380 هـ ش سقوط کرد و اداره موقت افغانستان که حاصل مذاکرات اجلاس بن بود، روی کار آمد.

اداره موقت:

در پی توافقاتی که در مذاکرات اجلاس بن به عمل آمد، اداره موقت افغانستان تحت سرپرستی "حامدکرزی" در اول جدی 1380 تشکیل شد. اداره موقت در طی 6 ماه زمینه برگزاری لویه جرگه اضطراری را فراهم ساخت و لویه جرگه حکومت انتقالی را انتخاب کرد.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان:

در جوزای 1381 هـ ش دولت 18 ماهه افغانستان به ریاست حامدکرزی روی کار آمد.

موقعیت جغرافیایی

مساحت:

کشور افغانستان سر زمینی است کوهستانی، واقع در قلب آسیا که بین 29 و 38 درجه عرض جغرافیایی و بین 29 درجه و 30 دقیقه شمالی و 60 درجه و 30 دقیقه و 75 درجه و 50 دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ واقع شده است. این کشور در ساحه کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه قرار داشته و محصور به خشکی است و به دریا راه ندارد، وسعت آن حدود 650000 کیلومتر مربع است.

کشورهای همسایه و طول مرزهای بین المللی:

افغانستان از جانب شمال 1206 کیلومتر با تاجکستان، 744 کیلومتر با ترکمنستان و 137 کیلومتر با ازبکستان مرز مشترک دارد و از گوشه شمال شرق با رشته باریکی به طول 125 کیلومتر منطقه پامیر و "واخان" به ترکستان شرقی شروع شده و به گوشه شمال غربی در ناحیه دره ذوالفقار که مرز ترکمنستان و ایران است خاتمه می یابد. نیز از جانب شرق با کشور چین 76 کیلومتر و از جنوب و جنوب شرقی با پاکستان 2430 کیلومتر و همچنین از جانب غرب با کشور جمهوری اسلامی ایران 936 کیلومتر مرز مشترک دارد.

پایتخت و ساعت رسمی کشور:

پایتخت کشور: کابل

ساعت رسمی کشور: چهارونیم ساعت (4/5) ساعت از ساعت بین المللی جلوتر است.

آب و هوا:

کشور افغانستان دارای پنج منطقه آب و هوایی به شرح زیر می باشد:

1. آب و هوای گرم و خشک بیابانی: این نوع آب و هوا در نواحی جنوب غربی قندهار، جنوب گرشک، تمامی ولایت نیمروز و جنوب فراه حاکم است. در این ناحیه بارندگی بسیار کم است، متوسط بارندگی سالانه آن به 70 تا 80 میلی متر می رسد. در ایام زمستان برف نمی بارد و این شرایط، آب و هوایی ریگستان هایی مانند مارگو و سیستان را به وجود آورده است.

2. آب و هوای کوهستانی: این نوع آب و هوا بخش وسیعی از مناطق مرکزی و شمال شرقی افغانستان را فراگرفته است. در ارتفاعات هندوکش، سفید کوه و ... با هوای بسیار سردی مواجه می شویم.

3. آب و هوای موسمی: منطقه پکتیا و اطراف آن دارای این نوع آب و هوا می باشند. در این ناحیه حتی در تابستان نیز باران می بارد. هوای مرطوب این ناحیه مساعدترین منطقه برای رشد گیاهانی از نوع بلوط، ارچه، قهوه ... است.

4. آب و هوای استپی: این نوع آب و هوا بخش وسیعی از افغانستان را فراگرفته است، از جمله کابل، هرات و قندهار که اختلاف دمای شب و روز در این مناطق از 20 درجه سانتی گراد تجاوز نمی کند. بارندگی در زمستان بیشتر است. در این مناطق علفزارها و گیاهان به خوبی رشد می کنند و به همین سبب برای پرورش حیوانات بسیار مناسب است.

5. آب و هوای توندرا آلی: مناطق مرتفعی همچون غزنین، بامیان، کوه بابا و سفید کوه از این نوع آب و هوا برخوردار می باشند. در این مناطق برف بسیار می بارد، زمستان آب و هوای بسیار سرد و طولانی دار و تابستان آن معتدل است.

بناهای تاریخی افغانستان

منارچکری:

این منار طی دوهزار سال کاروان هایی را راهنمایی می کرد که از شمال و جنوب وادی کابل عبور می کردند. منارچکری در عصر کوشانیان ساخته شده و استوانه ای با بیست متر ارتفاع بود. در این بنا از صنعت سنگ تراشی گلدار استفاده شده بود. منارچکری در اثر اصابت راکت در مارچ 1998 فروریخت.

بامیان و مجسمه های بودا:

بامیان در وسط جاده ابریشم قرار داشت و کاروان ها در این نقطه به منظور استراحت توقف می کردند. در سمت شمالی دره بامیان مسافران اقامت گاه هایی جهت اسکان خود درست می کردند که شماری از آن ها به حجره هایی تبدیل شدند که بعد ها مراسم مذهبی در آن انجام می گرفت که با قرار گرفتن در کنار دو مجسمه بودا آراسته گشتند. این دو مجسمه بزرگ ترین مجسمه های بودا در جهان به شمار می رفتند که در سال 1379 هـ ش توسط حکومت طالبان تخریب شدند.

گل دره لوگر:

چشم اندازی آراسته شده است که بیشتر آن ها صومعه هایی هستند که در کنار استوپه های بنا شده اند. در استوپه مراسم مذهبی به جا آورده می شد. صومعه معروف استوپه در گلدره لوگر در جنوب شرقی کابل قرار دارد.

کتیبه ارزگان:

این کتیبه به حکومت یفتلیان تعلق دارد که حدود هزاروششصد سال قبل وارد این منطقه شدند و دوصد سال حکومت کردند.

مسجد نه گنبد باغ:

مسجد حاجی پیاده نیز نامیده می شود، قدیمی ترین مسجد در افغانستان است که از دوران سامانی در سه کیلومتری جنوب شهر بلخ به جامانده است.

مقبره سلطان محمود غزنوی:

مقبره سلطان محمود که با سنگ مرمر زیبایی پوشانده شده است، در قریه روضه ولایت غزنی قرار دارد.

مناره های غزنین:

دومناره از دوران غزنوی ها هستند که در شرق غزنین کنونی واقع شده اند، با آرایش برجسته پیچ در پیچ روی خشت و شامل کتیبه های خطوط کوفی و نسخ هستند.

قلعه بست هلمند:

قلعه ای که از آن ویرانه ای بیش به جا نمانده است ولی طاقی به پهنای 25 متر در این منطقه وجود دارد که به قرن یازدهم میلادی باز می گردد.

زیارت باباحاتم جوزجان:

این مرقد احتمالاً مربوط به قرن دوازدهم است که در غرب مزار شریف واقع شده است و در ساخت آن از سبک غزنوی و تزئینات گچبری استفاده شده است.

منارجام غور:

برج باریکی است که در کنار هریرود ساخته شده است. این برج که عموماً مناره خوانده می شود شصت و شش متر ارتفاع دارد و متشکل از سه طبقه است که هر کدام دارای یک بالکن می باشند. متن کامل سوره نوزدهم قرآن مجید در گرداگرد این مناره تراشیده شده است.

مسجدجامع هرات:

این مسجد را سلطان غیاث الدین غوری طرح ریزی کرد و مدفن وی در زیر گنبد آن می باشد. در صحن این مسجد دیگ بزرگی نیز وجود دارد که به دیگ هفت جوش معروف است.

مجتمع مصلاي هرات:

تقویم سال:

تقویم افغانستان بر اساس تاریخ هجری شمسی است.

تعطیلات عمومی رسمی و مذهبی و مناسبت ها

تعطیلات ملی:

نوروز (سال نو)

روز پیروزی مجاهدان مسلمان (8 ثور)

روز استقلال (28 اسد)

تعطیلات مذهبی:

عیدقربان

عاشورا (دهم محرم)

تولد حضرت محمد صلی الله علیه و سلم (مولودشریف)

اولین روز رمضان

عید فطر

تعطیلاتی همانند رمضان المبارک، عید فطر، عید قربان، عاشورا، مولود نبی اکرم بستگی به تقویم قمری اسلامی دارد و هر ساله تغییر می نماید.

مراسم:

عید فطر، عید قربان، نوروز و عاشورا.

مراکز فرهنگی و ادبی و غیره

وزارت اطلاعات و کلتور از بدو تاسیس خویش متولی رسمی امور فرهنگی و هنری کشور افغانستان بوده است. اما در کنار این نهاد دولتی، از دیر باز انجمن ها و نهاد های فرهنگی و غیر دولتی هم حضور داشته و هر یک در حوزه کار خویش فعالیت می کرده اند.

انجمن های ادبی کابل و هرات را که در سال 1309 هجری شمسی تاسیس شدند باید نخستین مراکز فرهنگی غیر دولتی دانست که در رشد ادب و فرهنگ تأثیری به سزا داشته اند. اما اوج فعالیت های غیر دولتی را باید در دهه شصت به بعد سراغ گرفت و به ویژه با تاسیس اتحادیه هنرمندان و انجمن نویسندگان افغانستان در کابل، مقارن با این احوال، یک سلسله مراکز فرهنگی و هنری وابسته و غیر وابسته به احزاب نیز در میان مهاجرین خارج از کشور پای گرفت که از این میان می توان به مرکز تعاون افغانستان، موسسه عرفان، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، بنیاد فرهنگی امین، مرکز فعالیت های سیاسی و فرهنگی تبیان، اتحادیه فرهنگیان افغانستان و مرکز اطلاع رسانی افغانستان (و دهها بنیاد، کانون و مراکز فرهنگی و ادبی دیگر در داخل و خارج) اشاره کرد که بیشتر این ها هنوز هم فعال اند و بعضی نیز بعد از تحولات اخیر دفاتر خود را به داخل افغانستان منتقل کرده اند. ۱-۲

1. بررسی و تحلیل مراکز و کانون های فرهنگی و نشراتی مجاهدین و مهاجرین در داخل و خارج کشور مستلزم بحث جداگانه ای است که در یک فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد. چون اشاره به این کانون ها در این نبشته ناکافی و بیشتر متوجه کشور ایران است.

2. به نقل از سالنامه فجر افغانستان، از انجمن نویسندگان مسلمان افغانستان خارج از کشور، سال 1382.

کتابخانه ها، سالن های سینما و دیگر مراکز فرهنگی

افغانستان دارای تعدادی کتابخانه عمومی است که مرکزیت آن در کابل قرار دارد و در بعضی ولایات نیز دارای شعباتی است. کتابخانه عامه کابل کتابخانه ای است نسبتاً غنی با کتاب های مرجع و نسخ خطی فراوان که خوشبختانه کمتر دچار عوارض ناشی از جنگ شده است. در کنار این کتابخانه، می توان از کتابخانه دانشگاه کابل نام برد که منبعی منحصر به فرد از کتاب های نفیس بوده و متأسفانه در جریان جنگ های داخلی دچار آسیب های فراوان شده است.

موزیم کابل نیز از مراکز دیدنی این شهر بوده و آثار فراوانی از تمدن و فرهنگ قدیم این کشور را در خود داشت که متأسفانه در جریان جنگ ها در معرض تاراج قرار گرفت.

یکی دیگر از مراکز نگهداری آثار فرهنگی افغانستان، ارشیف ملی است که تا اکنون خوشبختانه پابرجا مانده است.

سینماهای افغانستان بیشتر در شهر کابل قرار داشته و از مراکز مهم تفریحی مردم به شمار می رفته اند. تولیدات سینمایی کشور افغانستان اندک بوده و از تعداد انگشت شماری فیلم سینمایی تجاوز نمی کند که آن هم در جریان جنگ ها دچار رکود شده است. در افغانستان بیشترین علاقه مندی عمومی به فیلم های سینمایی تولید هند و ایران را می توان نام برد.

بعضی از سالن های سینمای کابل در جریان جنگ ها تخریب شده و یا از کار افتاده اند، ولی در سینماهای سالم، نمایش فیلم با اقبال عمومی قابل توجهی جریان دارد.

مکاتب و نظام آموزشی

سابقه معارف در افغانستان به دوره امیر شیرعلی بر می گردد، یعنی سال 1355 قمری که در آن مقطع، تدریس رشته های از علوم جدید مانند ریاضی، جغرافیا، کیمیا و نقشه کشی در مدارس موجود آغاز شد. اما نخستین مدرسه ای که به شیوه جدید در افغانستان ایجاد شد، لیسه حبیبیه بود که در زمان امیر حبیب الله خان تاسیس گردید. لیسه حبیبیه خاستگاه نخستین نسل تحصیل کرده افغانستان شد که بعداً نهضت مشروطیت را در این کشور پدید آوردند.

در سال 1302 مکتب مستورات به عنوان نخستین مکتب دخترانه این کشور تاسیس شد و در سال 1314 تحصیل در دوره ابتدایی برای همه افراد کشور اجباری شد و بدین ترتیب آموزش و پرورش در این کشور گسترش یافت. در نظام آموزشی کشور افغانستان، دوازده سال تحصیل برای هر شاگرد پیش بینی شده است که شش سال در مقطع ابتدایی، سه سال در مقطع متوسطه و چهار سال در مقطع لیسه است. دروس از سال دوم لیسه به دو رشته ساینس (علوم ریاضی و تجربی) و اجتماعیات (علوم انسانی) تقسیم می شود و دانش آموزان پس از فراغت از صنف دوازدهم از طریق کنکور سراسری به دانشگاه راه می یابند.

سال تحصیلی افغانستان از آغاز سال هجری (اول حمل) آغاز می شود و تا ماه قوس ادامه می یابد. تعطیلات مکاتب در زمستان است.

مکاتب افغانستان برای دختران و پسران به تفکیک تشکیل می شود، ولی در بعضی موارد و در مقاطع ابتدایی، صنف های مختلط هم دیده می شود.

از لیسه های معروف کابل می توان لیسه حبیبیه، لیسه شیرشاه سوری، لیسه امانی، لیسه استقلال، لیسه انصاری، لیسه نادریه، لیسه رابعه بلخی، لیسه ملالی و لیسه زرغونه را نام برد که بعضی از آن ها در جریان جنگ های ده ساله داخلی آسیب های جدی دیده اند.

مراکز فرهنگی و ادبی و غیره

وزارت اطلاعات و کلتور از بدو تاسیس خویش متولی رسمی امور فرهنگی و هنری کشور افغانستان بوده است. اما در کنار این نهاد دولتی، از دیر باز انجمن ها و نهاد های فرهنگی و غیر دولتی هم حضور داشته و هر یک در حوزه کار خویش فعالیت می کرده اند.

انجمن های ادبی کابل و هرات را که در سال 1309 هجری شمسی تاسیس شدند باید نخستین مراکز فرهنگی غیر دولتی دانست که در رشد ادب و فرهنگ تأثیری به سزا داشته اند. اما اوج فعالیت های غیر دولتی را باید در دهه شصت به بعد سراغ گرفت و به ویژه با تاسیس اتحادیه هنرمندان و انجمن نویسندگان افغانستان در کابل، مقارن با این احوال، یک سلسله مراکز فرهنگی و هنری وابسته و غیر وابسته به احزاب نیز در میان مهاجرین خارج از کشور پای گرفت که از این میان می توان به مرکز تعاون افغانستان، موسسه عرفان، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، بنیاد فرهنگی امین، مرکز فعالیت های سیاسی و فرهنگی تبیان، اتحادیه فرهنگیان افغانستان و مرکز اطلاع رسانی افغانستان (و دهها بنیاد، کانون و مراکز فرهنگی و ادبی دیگر در داخل و خارج) اشاره کرد که بیشتر این ها هنوز هم فعال اند و بعضی نیز بعد از تحولات اخیر دفاتر خود را به داخل افغانستان منتقل کرده اند. ۱-۲

1. بررسی و تحلیل مراکز و کانون های فرهنگی و نشراتی مجاهدین و مهاجرین در داخل و خارج کشور مستلزم بحث جداگانه ای است که در یک فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد. چون اشاره به این کانون ها در این نبشته ناکافی و بیشتر متوجه کشور ایران است.

2. به نقل از سالنامه فجر افغانستان، از انجمن نویسندگان مسلمان افغانستان خارج از کشور، سال 1382.

مکاتب و نظام آموزشی

سابقه معارف در افغانستان به دوره امیر شیرعلی بر می گردد، یعنی سال 1355 قمری که در آن مقطع، تدریس رشته های از علوم جدید مانند ریاضی، جغرافیا، کیمیا و نقشه کشی در مدارس موجود آغاز شد. اما نخستین مدرسه ای که به شیوه جدید در افغانستان ایجاد شد، لیسه حبیبیه بود که در زمان امیر حبیب الله خان تاسیس گردید. لیسه حبیبیه خاستگاه نخستین نسل تحصیل کرده افغانستان شد که بعداً نهضت مشروطیت را در این کشور پدید آوردند.

در سال 1302 مکتب مستورات به عنوان نخستین مکتب دخترانه این کشور تاسیس شد و در سال 1314 تحصیل در دوره ابتدایی برای همه افراد کشور اجباری شد و بدین ترتیب آموزش و پرورش در این کشور گسترش یافت. در نظام آموزشی کشور افغانستان، دوازده سال تحصیل برای هر شاگرد پیش بینی شده است که شش سال در مقطع ابتدایی، سه سال در مقطع متوسطه و چهار سال در مقطع لیسه است. دروس از سال دوم لیسه به دو رشته ساینس (علوم ریاضی و تجربی) و اجتماعیات (علوم انسانی) تقسیم می شود و دانش آموزان پس از فراغت از صنف دوازدهم از طریق کنکور سراسری به دانشگاه راه می یابند.

سال تحصیلی افغانستان از آغاز سال هـ ش (اول حمل) آغاز می شود و تا ماه قوس ادامه می یابد. تعطیلات مکاتب در زمستان است.

مکاتب افغانستان برای دختران و پسران به تفکیک تشکیل می شود، ولی در بعضی موارد و در مقاطع ابتدایی، صنف های مختلط هم دیده می شود.

از لیسه های معروف کابل می توان لیسه حبیبیه، لیسه شیرشاه سوری، لیسه امانی، لیسه استقلال، لیسه انصاری، لیسه نادریه، لیسه رابعه بلخی، لیسه ملالی و لیسه زرغونه را نام برد که بعضی از آن ها در جریان جنگ های ده ساله داخلی آسیب های جدی دیده اند.

کتابخانه ها، سالن های سینما و دیگر مراکز فرهنگی

افغانستان دارای تعدادی کتابخانه عمومی است که مرکزیت آن در کابل قرار دارد و در بعضی ولایات نیز دارای شعباتی است. کتابخانه عامه کابل کتابخانه ای است نسبتاً غنی با کتاب های مرجع و نسخ خطی فراوان که خوشبختانه کمتر دچار عوارض ناشی از جنگ شده است. در کنار این کتابخانه، می توان از کتابخانه دانشگاه کابل نام برد که منبعی منحصر به فرد از کتاب های نفیس بوده و متأسفانه در جریان جنگ های داخلی دچار آسیب های فراوان شده است.

موزیم کابل نیز از مراکز دیدنی این شهر بوده و آثار فراوانی از تمدن و فرهنگ قدیم این کشور را در خود داشت که متأسفانه در جریان جنگ ها در معرض تاراج قرار گرفت.

یکی دیگر از مراکز نگهداری آثار فرهنگی افغانستان، ارشیف ملی است که تا اکنون خوشبختانه پابرجا مانده است.

سینماهای افغانستان بیشتر در شهر کابل قرار داشته و از مراکز مهم تفریحی مردم به شمار می رفته اند. تولیدات سینمایی کشور افغانستان اندک بوده و از تعداد انگشت شماری فیلم سینمایی تجاوز نمی کند که آن هم در جریان جنگ ها دچار رکود شده است. در افغانستان بیشترین علاقه مندی عمومی به فیلم های سینمایی تولید هند و ایران را می توان نام برد.

بعضی از سالن های سینمای کابل در جریان جنگ ها تخریب شده و یا از کار افتاده اند، ولی در سینماهای سالم، نمایش فیلم با اقبال عمومی قابل توجهی جریان دارد.

مراکز فرهنگی و ادبی و غیره

وزارت اطلاعات و کلتور از بدو تاسیس خویش متولی رسمی امور فرهنگی و هنری کشور افغانستان بوده است. اما در کنار این نهاد دولتی، از دیر باز انجمن ها و نهاد های فرهنگی و غیر دولتی هم حضور داشته و هر یک در حوزه کار خویش فعالیت می کرده اند.

انجمن های ادبی کابل و هرات را که در سال 1309 هجری شمسی تاسیس شدند باید نخستین مراکز فرهنگی غیر دولتی دانست که در رشد ادب و فرهنگ تأثیری به سزا داشته اند. اما اوج فعالیت های غیر دولتی را باید در دهه شصت به بعد سراغ گرفت و به ویژه با تاسیس اتحادیه هنرمندان و انجمن نویسندگان افغانستان در کابل، مقارن با این احوال، یک سلسله مراکز فرهنگی و هنری وابسته و غیر وابسته به احزاب نیز در میان مهاجرین خارج از کشور پای گرفت که از این میان می توان به مرکز تعاون افغانستان، موسسه عرفان، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، بنیاد فرهنگی امین، مرکز فعالیت های سیاسی و فرهنگی تبیان، اتحادیه فرهنگیان افغانستان و مرکز اطلاع رسانی افغانستان (و دهها بنیاد، کانون و مراکز فرهنگی و ادبی دیگر در داخل و خارج) اشاره کرد که بیشتر این ها هنوز هم فعال اند و بعضی نیز بعد از تحولات اخیر دفاتر خود را به داخل افغانستان منتقل کرده اند. ۱-۲

1. بررسی و تحلیل مراکز و کانون های فرهنگی و نشراتی مجاهدین و مهاجرین در داخل و خارج کشور مستلزم بحث جداگانه ای است که در یک فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد. چون اشاره به این کانون ها در این نبشته ناکافی و بیشتر متوجه کشور ایران است.

2. به نقل از سالنامه فجر افغانستان، از انجمن نویسندگان مسلمان افغانستان خارج از کشور، سال 1382.

آداب و سنن محلی

مردم افغانستان به علت مجاورت و دادوستد با فرهنگ های مختلف، آداب و رسوم گوناگونی را کسب کرده اند که به صورت سنت هایی دیرینه و ریشه دار در مناطقی از این کشور دیده می شود. از آنجا که این کشور در قرن اخیر کمتر در معرض نفوذ رسانه های جهانی قرار داشته بسیاری از این آداب و رسوم به صورت دست نخورده باقی مانده است. روحیه بیشتر مردم افغانستان روحیه مذهبی است و با همه تنوع فرهنگی، مردم افغانستان در مجموع به مهمان نوازی و جوانمردی شهرت دارند. قول و قرار در نزد این مردم اهمیت بسیاری دارد و عهد شکنی از مذموم ترین صفات شمرده می شود. این خصوصیت حتی در معاملات و دادوستد ها نیز دیده می شود، به گونه ای که بسیاری از معاملات صرفاً با قول های زبانی انجام می پذیرد.

یکی دیگر از خصوصیات اجتماعی مردم افغانستان وابستگی به قوم و قبیله است، به همین لحاظ پیوندهای خانوادگی و قومی در میان مردم قوی است و گاه از دیگر مناسبات اجتماعی قوی تر عمل می کند.

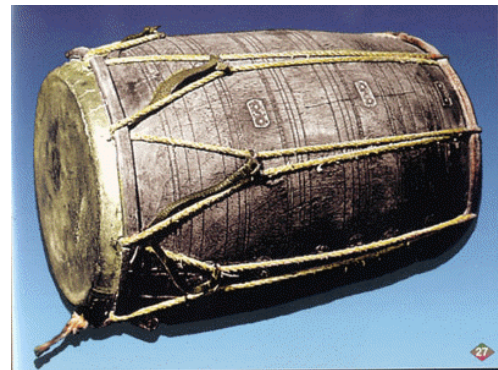
سخت کوشی، قناعت، بردباری و ناموس دوستی دیگر خصوصیات است که در جامعه افغانستان نمود بارز دارد. از میان آداب و رسوم مذهبی، مردم افغانستان بیشترین توجه را به دو عید بزرگ اسلامی یعنی عید فطر و عید قربان دارند. در این عیدها در کشور سه روز پیاپی تعطیل رسمی است و مردم با تهیه شیرینی و لباس و دید و باز دید از همدیگر این روزها را جشن می گیرند.

مراسم عید نوروز در همه جای افغانستان با تفاوت های اندکی برگزار می شود. در مزار شریف و کابل در زیارت حضرت علی رضی الله عنه مراسم با شکوهی به عنوان بالاگردن جنده برگزار می شود که جنبه ملی دارد و برای همه اقوام و مذاهب دارای احترام است. به نقل از سایت شهید احمدشاه مسعود

اینک بیست و یک نوع آلهه موسیقی اصیل افغانی، جهت آگهی علاقمندان گرامی تقدیم می گردد:

رباب: یک آلهه موسیقی تار است که از چوب توت ساخته شده، کاسه آن با پوست بز پوشیده می شود. در افغانستان سه نوع رباب وجود دارد که به نامهای رباب بم یا بزرگ، رباب میانه و رباب زیرچه یا کوچک در میان مردم معروف هستند. طول یک رباب عادی یا میانه 92 سانتی متر است. رباب با مضراب نواخته می شود و دارای پنج تار اصلی روده ای « د و جلو، دومیانه و یک کته » و شانزده تار فرعی فلزی « هشت تار فولادی و هشت تار برنجی » است که جمعاً بیست و یک تار می شود. رباب چهارده پرده دارد و گلوی آن کوتاه است. این آلهه موسیقی محلی در تمام نقاط افغانستان رایج بوده و مورد استفاده قرار دارد. استاد مشهور و معروف آن استاد محمد عمر رباب نواز است.





2- تنبور : آلهه موسيقي تاري است كه از چوب توت ساخته شده، طول آن يك متر وسي ود و سانتی بوده وبا ناخنك نواخته مي شود. تنبور داراي د و تار اصلي وپانزده تار فرعي است وبيست وهفت پرده دارد. اين آلهه اصيل افغانستاني در اغلب نقاط كشور مورد استفاده قرار مي گيرد. تنبور نوازان معروف افغانستان درگذشته و حال بي شمارند. استاد معروف عبدالمجيد است.

3- د نیوره : یکی از قدیمی ترین آلات موسیقی محلی افغانستان است که به شکل بسیار ساده ای از چوب توت ساخته شده، طول آن یک متر است و بدان د مپوره و دو مپیره نیز می گویند. د نیوره که دارای د و تار اصلی روده ای است تار فرعی و پرده ندارد و با انگشتان دست نواخته می شود. تقریباً همه آواز خوانان صفحات مرکزی و شمالی افغانستان د نیوره نوازان ماهری نیز هستند که از آن جمله، استاد قربان میمنگی است.

4- د و تارهراتی : یک آلهه موسیقی تاری است که از چوب توت ساخته شده، طول آن یک متر و سی سانتی بوده، با ناخنک نواخته می شود. این آلهه موسیقی که در ابتدا د و تار روده ای داشته با تغییراتی که در طول زمان در آن رخ داده اکنون یک تار اصلی، سیزده تار فرعی و نوزده پرده دارد و بیشتر در قسمت های غرب و شمال غرب افغانستان رایج است. د و تارنوازان معروفی که با نامشان آشنا هستیم عبارتند از : محمد کریم هروی، میرضیاءالحق حسینی، غلام حیدر هروی، گدامحمد هروی، غلام سخی هروی و عده ای دیگر. که مشهورترین آنان محمد کریم هروی است.

5- د و تارازبکی : د و تار ازبکی که از چوب توت ساخته می شود از د نیوره بزرگتر است و از نظر طول با تنبور همسری می کند اما از آن نازکتر و کم عرض تر است. برای این که این آلهه موسیقی زیباتر و قشنگتر به نظر آید، اشکال مختلف هندسی از قبیل دایره، مستطیل و مربع را از استخوان تراشیده و روی کاسه آن نصب می کنند. تارهای د و تار ازبکی را از ابریشم خالص می سازند. زیرا بر اثر تماس پیهم ناخنها زود فرسوده نمی شود و از تار روده ای مقاومت بیشتری دارد. تقریباً همه آوازخوانان ازبک زبان در عین حال د و تارنواز و یا د نیوره نوازهای خوبی نیز هستند ولی هنرمندی که به عنوان استاد این ساز در میان مردم معروف است ضیاء خواجه منصور نام دارد.

6- د و تار ترکمنی : د و تار اصیل ترکمنی که آن را از چوب توت می سازند، از جهات مختلف با د و تار ازبکی شباهت هایی داشته، در گذشته تارهای آن مثل د و تار ازبکی از ابریشم ساخته می شد. ولی امروزه این د و تار تارهای فلزی داشته دارای چهارده پرده است. تقریباً همه آوازخوانان معروف ترکمن، نوازندگان د و تار ترکمنی نیز هستند که معروفترین آنها استاد احمد بخش است.

7- سه تار: سازی است که به حجم و طول و عرض د نیوره ساخته می شود ویر د و نوع است؛ یکی سه تار ازبکی و دیگری سه تار پشه ای. که اولی دارای سه تار فولادی است و دوی پنج تار فلزی دارد. سه تار صدای زیبا و دلنشینی داشته ولی متأسفانه در این زمانه ها از خاطر ها تا حد و دی فراموش شده وگردش زمانه، جای آنرا در حلقه های هنری خالی نگه می دارد. یگانه نوازنده معروف سه تار ازبکی سعد الله آغای کند وزی بوده است.

8- چهار تار : یکی از آلات موسیقی اصیل ولایت هرات است که تا حدود سی و چهار سال قبل نه تنها توسط نوازندگان شوقی و حرفه ای هرات نواخته می شد، بلکه در نخستین آرکستر را دیو کابل وقت نیز موجود بود که مرحوم لاله رحیم آن را می نواخت. این آله موسیقی که از لحاظ صدا و سیمای خویش با سایر آلات موسیقی محلی کشور تفاوت های زیادی دارد و اکنون جایگاهش در حلقه های هنری کشور خالی است، به نامهای تار، چهار تار و شش تار یاد شده است

9- سرنده : یک آله موسیقی آرشه ای است که از چوب توت ساخته شده،

کاسه آن از پوست بز پوشانده می شود و طول آن 65 سانتی متر است. سرنده با کمانچه یا آرشه نواخته می شود و دارای 3 تار اصلی و 17 تار فرعی، جمعاً بیست تار فلزی و نیلونی - است. سرنده فاقد پرده است و در قسمت های جنوبی و جنوب شرقی افغانستان بیشتر نواخته می شود. سرنده نوازان معروف در نیم قرن گذشته عبارتند از استاد غلام حسن، استاد فقیر حسن، استاد دین محمد معروف به ماشین، خواجه محمد، لاله محمد امان و غیره.

10- غیچک : غیچک یا غیژک، سازی است که از چوب توت ساخته می شود و آن را با کمانچه ای از موی دم اسب می نوازند. نواختن غیچک با آن که ظاهراً ساده و سهل به نظر می آید - ولی چون این ساز فاقد پرده است - مشق و پختگی و مهارت می خواهد. گاهی این ساز را بسیار ساده می سازند. بدین گونه که چوب نسبتاً دراز و مدوری را از میان قوطی حلبی می گذرانند و سیمها را در درازای چوب امتداد داده به انتهای آن می بندند. سر د یگرسیمها را به د و گوشک در انجام بالایی چوب وصل می کنند. با پیچاندن گوشکها، سیمها کشیده شده و میزان می شوند. غیچک د و تار جلو « تار اصلی » و هشت تار فرعی دارد. نوع دیگری از غیچک را به نام غیچک پوستی می شناسیم که چوب آن به جای قوطی حلبی، از میان دایره کوچکی که هرد و رخ آن توسط پوست بز پوشانیده شده است می گذرد. این غیچک معمولاً در دره ها و کوهستانهای پاکیزه هزاره جات مورد استفاده قرار می گیرد و آواز نسبتاً قوی و پری از آن برمی خیزد. غیچکهای معمولی 48 سانتی متر طول دارند. غیچک نوازان معروفی که در عین حال آوازخوانان خوبی نیز بوده اند، محمد نعیم، لاله اکبر و بازگل بدخشی و دیگران

آلات موسیقی 3

11- توله « شپلی » یک آله موسیقی بادی است که در انواع مختلف ساخته می شود؛ یکی نوع برنجی و دیگری نوع چوبی از چوب زیتون ساخته می شود و طول 46 سانتی متر است. این آله موسیقی همگانی دارای 7 سوراخ بوده و در تمام نقاط افغانستان مورد استفاده هنرمندان حرفه ای و شوقی قرار دارد. نوازندگان معروف توله در پنجاه سال اخیر عبارتند از: شیرمحمد، لاله امان، بابا صمد و دیگران.



12- نی : یک آله موسیقی بادی است که در سراسر افغانستان رایج است و مخصوصاً چوپانان و گاوچرانان حینی که گله ها را به چراگاه می برند برای مشغولیت خود آن را می نوازند و از همین جاست که نی را در افغانستان

« نی چوپانی » نیز می گویند. نی همان طوری که از نامش پیداست ازخود نی وبه اندازه های مختلف ساخته می شود. متأسفانه کنون جای نوازندگان نی در آرکسترهای موسیقی خالی است.

13- د ونلی : سازی است متشکل از دو نی به طول شپلی که همزمان باهم به صدا در می آیند. این آلهء موسیقی در گذشته در ولایات فراه ونیمروز رایج بوده است وچنان که درحال حاضر نیز نوازندگان این آلهء موسیقی در ولایات یاد شده، موجود باشند.

14- سُرنا « سورنای » یک آلهء موسیقی بادی ومشابه به شهنائی هندی است که ازچوب شیشم ساخته می شود. طول سرنای حدود 40 سانتی متر بوده وزبانچه ای دارد که از نی ساخته می شود. سرنا دارای 7 سوراخ است ویگانه آلهء موسیقی باستانی است که درسراسرافغانستان صرفاً توسط هنرمندان حرفه ای نواخته می شود. سرنا نوازان معروفی در وطن عزیزما وجود داشته ودارند.



15- دهل: یک آلهء موسیقی ضربی بوده که ازچوب شیشم ساخته می شود. هردو انجام دهل با پوست بزیا پوست آهو پوشانیده شده با انگشتان دو دست در دوطرف آن نواخته می شود. طول یک دهل عادی 42 سانتی متری باشد. قطرکاتی « سرکوچک دهل» 20 سانتی متر وقطریم « یعنی سر بزرگ دهل » 21 سانتی متر است. دهل کلان را با چوب در هردوطرف آن می نوازند واین آلهء موسیقی بیشتر در جنوب و مشرق افغانستان مورد استفاده هنرمندان قرار دارد.

16- زیربغلی : یک آلهء موسیقی ضربی است مشابه تنبک ایرانی که معمولاً ازگل « سفال » ساخته می شود. سرکوچک زیربغلی بازاست وسر بزرگ آن با پوست بز یا پوست آهو پوشانیده شده وبانگشتان هردو دست نواخته می شود. زیربغلی عادی 62 سانتی متر طول داشته وقطر سر بزرگ آن 19 سانتی متر است. این آلهء موسیقی محلی که ازچوب شیشم نیز ساخته می شود وبیشتر در صفحات شمال وغرب افغانستان مورد استفاده هنرمندان است.

17- نغاره : از گل ساخته می شود و مانند طبله متشکل از دو تکه است که به نامهای «بم» و «زیر» یاد می شوند. بخش زیر آن با پوست شتر و بخش بم آن با پوست گاو پوشانده می شود. نغاره را با دو دست و توسط چوب می نوازند. قطر بخش زیر آن ده تا پانزده سانتی متر و قطر قسمت بم آن تا 25 سانتی متر است. نغاره در گذشته ها در اغلب ولایات افغانستان استفاده داشت ولی در حال حاضر بیشتر در ولایت ننگرهار رایج است.

18- دایره «د ف» یک آلهه موسیقی ضربی است که از چوب بید و پوست بز به شکل دایروی به اندازه های کوچک و بزرگ ساخته می شود. برای ساختن یک دایره، یک تکه چوب بید را به ضخامت، عرض و طولی که لازم باشداره می کنند و بعد تخته حاصله را به مدت 24 ساعت در آب گذاشته سپس به صورت دایروی گرد می سازند و دونوک آن را به هم میخ می کنند. بعد پوست گوسفند یا بزرا که پشمش دور شده و باد کش شده باشد توسط سرش روی آن نصب می کنند دایره در تمام نقاط افغانستان توسط هنرمندان کسبی و شوقی - ولی بیشتر توسط زنان و دختران - در محافل و میله های خانواده گی، مجالس عروسی و غیره نواخته می شود.

19- زنگ - تال: از دو تکه فلز دایروی کوچک تشکیل شده که در دو دست گرفته می شوند و به هم زده می شوند. این آلهه موسیقی بیشتر در شمال و جنوب افغانستان مورد استفاده قرار دارد.



20- چنگ : یک آلهه خیلی کوچک فلزی است که در میان دندانهای جلو قرارش می دهند و در حالی با یک دست آن را در دهن خود محکم گرفته اند، با یکی از پنجه های دست دیگر آن را به صدا در می آورند. حین نواختن چنگ باید مرتب نفس کشیده شود. زیرا صداهای زیر و بم چنگ توسط هوایی که در دهن انسان جریان دارد، تنظیم می شوند. این آلهه موسیقی را دختران و پسران شوقی و هنرمندان حرفه ای مخصوصاً در ولایات شمال و غرب افغانستان می نوازند.

21- منگی : منگی در زبان پشتو یعنی کوزه سفالین و اصولاً جزو آلات موسیقی شناخته شده به شمار نمی رود ولی از آن جا که در بعضی از حلقه های هنری ولایات شرقی و جنوب شرقی کشور - مخصوصاً در دیره و حجره مجلس

های ولایت ننگرهار، از آن به عنوان یک آلهه موسیقی ضربی به جای طبله استفاده می شود.



نقل از کتاب سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان، بقلم عبدالوهاب مددی، چاپ سال 1375- ایران - مشهد